

## هنر و زیبایی از دیدگاه مبانی فقه اخباری و اجتهادی

### چکیده

مسئله هنر و زیبایی به عنوان یکی از وجوه ذاتی حیات انسان‌ها در ادیان مختلف مورد توجه بوده است به طوری که بخش مهمی از هنر در جوامع مختلف حول هنر مذهبی تکوین یافته است. بخش مهمی از تاریخ تشیع به تقابل علمای اخباری و اصولی اختصاص داشته است. اثرات این تقابل معمولاً از حیطة نظر فراتر رفته و در ادوار تاریخی به اشکال مختلف بروز یافته است. هرکدام از این نحله‌ها در برخی زمان‌ها در منزوی ساختن طرف مقابل در عرصه نظر و عمل کوشیده و گاهی به دلیل الزامات این دو تفکر به همزیستی رسیده‌اند. با ظهور قاجاریه، اصولیان و اخباریان پس از مدت‌ها انزوا به عرصه سیاست بازگشته و رقابت‌های گذشته را تجدید کردند. به هر حال تقابل اصولیان و اخباریان آخرین مقابله‌ی جدی آن‌ها بود که بروز یافت. هنر و زیبایی یکی از وجوه مهم اجتماع است و به عنوان یک موضوع محوری بررسی آن از نگاه فقه اصولی و اخباری حائز اهمیت است. این پژوهش به روش توصیفی و تحلیلی و با تکیه بر داده‌های کتابخانه‌ای انجام شده است. یافته‌های پژوهش حاکی از این است که اصولیان و اخباریون هر دو با توجه به مبانی بنیادین دین اسلام و احادیث بر جای مانده از ائمه دیدگاهی مثبت و حمایت‌گرانه نسبت به مسئله هنر، ابعاد آن و زیبایی داشته است.

### اهداف پژوهش:

۱. بررسی هنر از دیدگاه مبانی فقه اخباری و اجتهادی.

۲. بررسی زیبایی از دیدگاه مبانی فقه اخباری و اجتهادی.

### سؤالات پژوهش:

۱. هنر از دیدگاه مبانی فقه اخباری و اجتهادی چگونه است؟

۲. زیبایی از دیدگاه مبانی فقه اخباری و اجتهادی چگونه است؟

**کلیدواژه‌ها:** اخباریون، اصولیان، هنر، زیبایی.

### مقدمه

مقوله‌های هنر و زیبایی در جوامع مختلف تحت تأثیر عوامل مختلفی قرار داشته است. در جامعه ایران نیز به فراخور مقتضیات فرهنگی و زمانی، این دو مقوله دارای سیر تکوینی خاص خود بوده است؛ در این میان، عامل فرهنگ مذهبی یکی از تأثیرگذارترین عوامل بوده است. در برخی مقاطع تاریخی در فرهنگ مذهبی شکاف‌ها و اختلافاتی وجود داشته است که در نوع خود در هنر نیز مؤثر بوده است. تقابل بین اصحاب حدیث و اصحاب رأی و پس از آن اصولیان و اخباریان از مهم‌ترین چالش‌های تاریخی، فکری علمای شیعه امامیه بوده است. اختلاف نظر بر سر موضوعاتی مانند اجتهاد و حوزه قلمرو رأی از مهم‌ترین اختلافاتی است که باعث جدایی و انشقاق دو طریقه‌ی مذکور

گردیده است. بی‌تردید بازخوانی تاریخ تشیع امامی و آسیب‌شناسی آن، بی‌توجه به نگرش‌های اصولی و اخباری عبث خواهد بود. در واقع درک دیدگاه‌های این دو طرف نقش مهمی در فهم بهتر موضع‌گیری‌های علمای شیعه خواهد داشت. علاوه بر این آموزه‌های این دو گروه نقشی تأثیرگذار در بسط و گسترش عقل‌گرایی و یا زوال و رکود آن داشته است. چنان‌که موضع‌گیری‌های سیاسی علمای اصولی و اخباری نقشی تعیین‌کننده دارد به این ترتیب نگرشی علمی و بی‌طرفانه به مباحث موجود و نگارش رساله‌ای در موضوع اخیر نقشی ارزنده در درک صحیح ماهیت تفکرات دو طرف و نقش تاریخی آن‌ها در حیات فرهنگی ما خواهد داشت. بنابراین بازشناسی دیدگاه این دو گروه مذهبی نسبت به هنر و زیبایی می‌تواند روشن‌گر بخشی از عوامل مؤثر در سیر تکوینی هنر اسلامی باشد.

درخصوص موضوع مورد نظر در این پژوهش تاکنون اثر مستقلی به رشته تحریر در نیامده است اما آثاری به بررسی مقوله‌های هنر و زیبایی در فرهنگ اسلامی پرداخته‌اند. مقاله‌ای با عنوان «بررسی زیبایی از دیدگاه اسلام و بهره‌گیری آن در جهت ارتقاء بهبود و خلق و ادراک فضاهای معماری برای انسان» به قلم چگینی و همکاران (۱۳۹۳) به رشته تحریر در آمده است. در این مقاله به بررسی دیدگاه اسلام به زیبایی به عنوان یکی از وجوه بارز هنر پرداخته شده است. اسلام اصول زیبایی و زیبایی‌شناسی را به کرات در قرآن ذکر کرده و انسان آسمانی می‌تواند با بهره‌گیری از آن به ادراک بهتر فضاهای معماری برسد. در مقاله‌ای دیگر با عنوان «هنر و زیبایی از نگاه مبانی فقه اجتهادی» توسط محمد ابراهیم جناتی (۱۳۷۵) نوشته شده است. در این اثر به وجوب رعایت حدود اسلامی در به کارگیری هنر و منزلت هنر نزد امامان پرداخته است. با این حال در آثار یاد شده به بررسی دو مقوله هنر و زیبایی در فرق و گروه‌های مذهبی اشاره نشده است. در این میان، اخباریون و اصولیون به عنوان دو گرایش موجود در شیعه نقش مهمی در گزاره‌های فرهنگی و هنری موجود در جامعه ایران به عنوان یک جامعه شیعه مذهب داشته‌اند لذا پژوهش حاضر در تلاش است تا به واکاوی مقوله‌های هنر و زیبایی نزد اخباری‌ها و اصولی‌ها بپردازد.

پژوهش حاضر به روش توصیفی و تحلیلی و با تکیه بر داده‌های کتابخانه‌ای انجام شده است. این اثر تلاش دارد ضمن پرداختن به ریشه‌های اصلی اختلافات با بررسی تاریخی رویدادهای فکری، به مهم‌ترین ابهاماتی که در این خصوص وجود دارد پاسخ دهد. روشن معصومین (ع) بر کدام شیوه عمل می‌کردند و از چه مقطع تاریخی و به چه دلایلی اخباری‌گری یا اصولی‌گری و اجتهاد باب گردید. دیدگاه آنها به مسائل فرهنگی و هنری جامعه را روشن سازد.

## نتیجه‌گیری

هرکدام از جریان‌های اصولی و اخباری با ذکر شواهدی از شیوه‌ی سلوک ائمه‌ی معصومین (ع) خود را ادامه‌دهنده‌ی راستین راه آن بزرگان دانسته و دیگری را به انحراف و تقلید از اهل تسنن متهم می‌کنند. آنچه مشخص است هر دو گروه با گزیده بینی تاریخ صدر اسلام تنها به شواهدی که مطلوب نحلّه‌ی خویش است اکتفا کرده و توجهی به موارد نقض آن نداشته‌اند. در واقع شیوه‌ی ائمه (ع) راهی میانه در تکیه بر اخبار و اجتهاد بوده است. البته آشکار است که در روزگار «حضور» ایشان، شیعه مسلماً کمتر به اجتهاد فقها نیازمند بوده و با رجوع مستقیم یا با واسطه به دانش آن بزرگان مسائل فقهی خویش را حل می‌کرده‌اند. به‌رحال اگر حدیث‌گرایی ناشی از دوران حضور، مطابق ادعای استرآبادی و شاگردانش، اولین گام‌های اخباری‌گری تصور شود و اهل حدیث شیعه، نخستین اخباریان امامیه فرض

گردند؛ در این صورت می‌توان پذیرفت که اخباریان از لحاظ قدمت تاریخی، پیشینه‌ای به مراتب طولانی‌تر از اهل اجتهاد و اصولیان دارند اما اگر بر شواهد تاریخی مورد نظر اصولیان در باب تعلیم اجتهاد توسط ائمه (ع) نظر شود و این قبیل اخبار ملاک قرار گیرد؛ می‌توان ادعا کرد که شکل اولیه‌ی هر دو نحله‌ی فکری، مذهبی مذکور از همان روزگار ائمه (ع) وجود داشته و آن بزرگان تلاش کرده‌اند تا در جای خود پیشگامان هر دو جناح فکری را مورد توجه و استمالت قرار دهند. با این همه آنچه طبق متون تاریخی به دست می‌آید؛ نشانگر غلبه‌ی اولیه اهل حدیث شیعی بر اهل اجتهاد است. حضور امامان (ع) و هم‌چنین تعبیر منفی از اجتهاد که در آن روزگار تفسیر به رأی را افاده می‌کرد، باعث برخی موضع‌گیری‌های ائمه (ع) گردیده و این قبیل نشانه‌های منفی، مستمسکی جدی در اختیار اهل حدیث شیعی و در آینده اخباریان برای مردود دانستن کامل اجتهاد قرار داده است. این نگرش منفی چنان بود که تا قرن‌ها پس از تثبیت موقعیت علمای اصولی، آن‌ها از به‌کار بردن عنوان اجتهاد خودداری می‌کردند. به هر حال فارغ از جانب‌داری‌های بعضاً متعصبانه‌ی هر دو گروه می‌توان تفوق اولیه اهل حدیث و پس از آن برتری و غلبه‌ی اصولیان را صرفاً محصول نیاز زمان و تأثیر الزامات زمانی دانست. چنان‌که در روزگار ظهور استرآبادی نیز به دلیل نگرش افراطی به اجتهاد و مغفول ماندن منابع حدیثی، آموزه‌ها و تعالیم استرآبادی مورد توجه و اقبال ویژه‌ای بسیاری از علمای شیعه قرار گرفت. احساس نیاز تاریخی به دانش حدیثی چنان بود که تعداد قابل‌توجهی از علمای اصولی نیز جذب طریقه‌ی اخباری شدند. بررسی دیدگاه اخباری‌ها به هنر و زیبایی مبتنی بر احادیث موجود و قرآن است و از هرگونه پذیرش تغییر و تحول در مبانی فکری خود در این زمینه خودداری می‌کردند، در حالی که مکتب اجتهادی به استناد تکیه بر مبانی عقلی دیدگاه وسیع‌تری نسب به پذیرش اصول نوین و متغیر درباره هنر و زیبایی در طول تاریخ و در عصر حاضر دارند.

## منابع و مأخذ:

- ابن بابویه (شیخ صدوق)، محمد بن علی. (۱۳۸۸). «توحید». ترجمه علی اکبر میرزایی، قم: علویون.
- اردبیلی الغروی، محمد بن علی. (۱۳۷۱). «جامعه الرواه». قم: مکتبه سماحه آیت الله العظمی المرعشی.
- افندی اصفهانی، میرزا عبدالله. (۱۳۷۹). «تحفه الفیروزه»؛ صفویه در عرصه دین، فرهنگ و سیاست». گردآوری از رسول جعفریان، قم: انتشارات پژوهشکده حوزه و دانشگاه.
- \_\_\_\_\_ . (۱۴۰۱). «ریاض العلماء و حیاض الفضلاء». به اهتمام سید محمود مرعشی و تحقیق سید احمد حسینی، قم: انتشارات کتابخانه عمومی آیت الله مرعشی نجفی.
- الگار، حامد. (۱۳۶۹). «دین و دولت در ایران (نقش علما در دوره قاجار)». ترجمه ابوالقاسم سری، تهران: انتشارات توس.
- امین عاملی، سید محسن. (۱۴۱۵). «الآخباریه»، دایره المعارف الاسلامیه الشیعه. سید حسن امین، دمشق: دارالتعارف للمطبوعات.
- انصاری، مرتضی. (۱۹۶۰). زندقه شیخ انصاری. اهواز: اتحاد/
- تهرانی، شیخ آقابرگ. (۱۴۰۳ق). الذریعه الی تصانیف الشیعه، بیروت: دارالاضواء.
- جناتی، محمدابراهیم. (۱۳۷۲). «دوار اجتهاد از دیدگاه مذاهب اسلامی». تهران: انتشارات مؤسسه کیهان.
- جناتی، محمد ابراهیم. (۱۳۷۵). «هنر و زیبایی از نگاه مبانی فقه اجتهادی. کیهان اندیشه، شماره ۶۶.
- حائری، عبدالهادی. (۱۳۶۰). «تشیع و مشروطیت در ایران و نقش ایرانیان مقیم عراق». تهران: انتشارات امیرکبیر.
- حر عاملی، محمد بن حسن. (۱۳۶۲). «الأمل الآمل». به تحقیق سید احمد الحسینی، قم: دارالکتاب الاسلامی.
- خالندی، انور و همکاران. (۱۳۹۷). «بررسی معرفت شناختی و زیبایی شناسی اسلامی براساس قرآن و سنت». قرآن و علم، شماره ۲۳، ۶۶-۴۷.
- خوانساری، سید محمدباقر. (۱۳۹۰). «روضات الجنات فی احوال العلماء و السادات». قم: انتشارات اسماعیلیان.
- خویی، آیت الله سید ابوالقاسم. (۱۴۰۹ق). معجم الرجال الحدیث و تفصیل طبقات الرواه. بیروت: دارالزهرا.
- دوانی، علی. (۱۳۷۰). «علامه مجلسی بزرگمرد علم و دین». تهران: انتشارات امیرکبیر.

- زرین کوب، عبدالحسین. (۱۳۶۲). «ارزش میراث صوفیه». تهران: انتشارات امیرکبیر.
- شجاعی زند، علی رضا. (۱۳۷۶). مشروعیت دینی دولت و اقتدار سیاسیون. تهران: موسسه فرهنگی تبیان.
- شهرستانی، محمدبن عبدالکریم. (۱۳۶۸). «الملل و النحل». بیروت: دارالسرور.
- صداقت، حبیب الله. (۱۳۹۷). «هنر و زیبایی در مدار دین و رسانه». معارف اسلامی و تبلیغ و ارتباطات، شماره ۱۲، ۶۳-۹۱.
- طباطبایی، سید محمد کاظم. (۱۳۸۴). «تاریخ حدیث شیعه». دانشکده علوم حدیث.
- طوسی، شیخ محمد بن حسن. (۱۳۷۶). «العهده فی اصول الفقه». تحقیق محمدرضا الانصاری، قم: نشر ستاره.
- فضایی، یوسف. (۱۳۸۷). تحقیق در تاریخ و عقاید شیخی‌گری، بابی‌گری و کسروی‌گرایی. تهران: آشیانه کتاب.
- قزوینی رازی، عبدالجلیل. (۱۳۵۸). «النقض». تصحیح میر جلال الدین محدث ارموی، تهران: انجمن آثار ملی.
- کاشف الغطاء، شیخ جعفر. (بی تا). کشف الغطاء عن مبهمات الشرایعه الغرا. اصفهان: حجری.
- کاظمی پور موسوی، سید احمد. «دوره‌های تاریخی تدوین و تحول و تحول فقه شیعه». تحقیقات اسلامی، شماره ۱ و ۲.
- کشی، محمدبن عمر بن عبدالعزیز. (۱۳۸۲). «معرفة الرجال». تحقیق و تصحیح محمد تقی فاضل میبدی و ابوالفضل موسویان، تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- گلیو، رابرت. (۱۳۸۲). «پژوهشهای جدید غربیان درباره تاریخ مذهبی ایران عصر صفوی». کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، شماره ۶۸.
- مادلونگ، ویلفرد. (۱۳۷۷). «فرقه های اسلامی». ترجمه ابوالقاسم سری، تهران: انتشارات اساطیر.
- مادلونگ، ویلفرد. (۱۳۸۷). تاریخ و عقاید مکتب اخباری شیعه. ترجمه حمید عطایی نظری. جهان کتاب، شماره ۱۱ و ۱۲.
- مجلسی، محمدتقی. (۱۴۱۴). «لوامع صاحبقرانیه». قم: کتابفروشی اسماعیلیان.
- مدرسی طباطبایی، سید حسین. (۱۳۶۲). «زمین در فقه اسلامی». تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۶۵). «اسلام و مقتضیات زمان». قم: انتشارات صدر.

مفید، محمد بن محمد بن نعمان. (۱۴۱۴). «اوائل المقالات فی المذاهب و المختارات». به تحقیق صدرالله زنجانی، بیروت: دارالمفید.

میرزایی پور، فریبا. (۱۳۹۱). «هنر و زیبایی شناسی در اسلام». همایش بین المللی دین در آئینه هنر.

میرموسوی، سیدعلی. (۱۳۹۱). اسلام سنت و مدرنیته. چاپ دوم، تهران: نشر نی.

نجاشی، احمد بن علی. (۱۳۶۵). «رجال نجاشی». مصحح موسی شبیری، قم: موسسه النشر الاسلامی التابعه.

نصر، حسین. (۱۳۸۹). هنر و معنویت اسلامی. مترجم رحیم قاسمیان. تهران: انتشارات حکمت.